

برای فجرترین روزهای ملت که میل گیبسونی ندارد

پژمان عرب
سردبیر

”

مهم‌ترین نکته این است که پیشرفت یک ملت بدون روایت فتح قله‌هایش امکان ندارد. سوخت حرکت ملت، زنده نگه داشتن لحظات تاریخی و شکوهمندی است که پشت سر گذاشته است. لحظاتی مثل عملیات والفجر ۸. ادعا نیست اگر بگوییم مناسبات دنیا با ایران و ملت ایران به قبل و بعد از عملیات والفجر ۸ تقسیم می‌شود

روز ۲۰ بهمن تعداد محدودی استوری درباره عملیات والفجر ۸ دیدم که باعث شد یاد همه مطالبی که طی این سال‌ها درباره این عملیات خوانده‌ام بیافتم. سکانس به سکانس فیلم‌های جنگی هالیوودی همین سال‌های اخیر بود که بر پرده ذهنم به نمایش می‌آمد. یاد پرونده پاسداشت کهنه سربازهای سایر کشورها افتادم. سال‌ها پیش، در یک مجله فرهنگی آن روزها یک شماره را اختصاصاً قرار بود به روایت و تجربه نگاری فعالیت‌های به اصطلاح دفاع مقدسی غربی‌ها بپردازیم. وقتی مطالب ترجمه‌ای از انبوه فعالیت‌های متنوع و خلاقانه امروزی آن‌ها را می‌خواندم و با فعالیت‌های خودمان مقایسه می‌کردم دود بود که از سرم بلند می‌شد که اگر برنامه‌های قدر شناسانه‌ای که آن‌ها برگزار می‌کنند پاسداشت است پس‌روی برنامه‌های نصفه و نیمه خودمان چه اسمی می‌شود گذاشت؛ که محدود به یک جغرافیا و یک روزهای خاصی از سال است. نوشتن از صدها روایت و برنامه‌ای که آن‌ها (آمریکایی و کانادایی، انگلیسی و فرانسوی) برای زنده نگه داشتن یاد قهرمانان جنگ‌هایشان طراحی و اجرا کرده بودند ساعت‌ها زمان می‌برد. ولی یک نمونه جالبش برنامه خاصی برای دانش‌آموزان مدارسشان بود که یادبودی بود برای یکی از مهم‌ترین عملیات‌های طی جنگ جهانی دوم (اسم عملیات دقیق یاد نیست احتمالاً نبرد نرماندی برای آزادسازی فرانسه بود یا عملیاتی دیگر)؛ برگزارکنندگان این گرامیداشت، در مدارس آمریکا به مدت یک هفته همان غذایی را در برنامه غذایی دانش‌آموزان قرار داده بودند که سربازان فتح نرماندی طی آن یک هفته درگیری خورده بودند. با برنامه‌های مفصلی که انگلیس برای صدمین سالگرد جنگ جهانی اول، در سال ۲۰۱۷ برگزار کرد را بخوانید بعد مقایسه کنید ببیند راهیان نور هنوز چقدر جای کار دارد تا به آن برنامه‌های انگلیسی در مردمی سازی روایت دفاع و جنگ برسد...

مهم‌ترین نکته این است که پیشرفت یک ملت بدون روایت فتح قله‌هایش امکان ندارد. سوخت حرکت ملت، زنده نگه داشتن لحظات تاریخی و شکوهمندی است که پشت سر گذاشته است. لحظاتی مثل عملیات والفجر ۸. ادعا نیست اگر بگوییم مناسبات دنیا با ایران و ملت ایران به قبل و بعد از عملیات والفجر ۸ تقسیم می‌شود؛ یعنی بعد از انقلاب، تسخیر لانه جاسوسی و فتح خرمشهر، هر چه جلوتر می‌آییم مطلع با هیمنه‌تر و پرشکوهرتر و حیاتی‌تر از والفجر ۸ نمی‌توانیم پیدا کنیم. تحول و پیشرفت یعنی همین والفجر ۸. کار و زحمت و توان و عرضه به خرج دادن یعنی همین عملیات. آن‌هم در شرایطی که دنیا تمام قد پشت صدام ایستاده بود و جنگ صرفاً جنگ عراق با ایران نبود بلکه جنگ تمام دنیا بود با ملتی تازه انقلاب کرده بود با رؤیای استقلال، جهاد اولش هم جهاد سازندگی بود برای آبادانی ویرانه کشورش.

آن سال‌ها تمام توان، پول، امکانات و فناوری دنیا پای کار صدام بود تا روزی اتفاقی مثل والفجر ۸ نیفتد که افتاد. ۷۸ روز نبرد سخت که از دیدگاه

نظامی کاری محال و ناشدنی بود ولی با خروش فرزندان ملت، رد شدن از روند خروشان و پیروزی در آن عملیات اتفاق افتاد. فتحی که اگر ده‌ها فیلم سینمایی هم از عملیات والفجر ۸ ساخته بشود کم است. اگر حساب و کتاب عالم و دسته‌بندی قدرت‌ها را در آن روزها ببینیم و بخواهیم عملیات را با ظرف زمانش فهم کنیم و هنرمندانه روایتش. یک مثالش می‌شود رؤیای پردازی‌ها و حماسه‌سرایی‌های ملی‌گرایانه‌ای که فردوسی سروده را این بچه‌ها به واقعیت رساندند. بعد از این عملیات بود که حساب و کتاب سیاسی عالم با ایران و به صورت کلی جبهه آزادگان جهان به طور کلی تغییر کرد. گنج روایت ما بعد از ۳۵ سال، هنوز بکر بکر باقی مانده است. پیشنهاد می‌کنم فیلم‌های جذاب هالیوودی برای نبردهای جنگ جهانی دوم را مرور کنید سینمای قدرتمند هالیوود هنوز قصه و روایت، کهنه سربازانش را اولویت حداکثری خود می‌داند و از کریستوفر نولان گرفته تا میل گیبسون و استیون اسپیلبرگ خود را سربازان این جبهه می‌دانند...

باید به داشته‌هایمان برگردیم. روایت والفجر ۸ می‌تواند روایت جذاب و برکشش و الهام بخش برای جوان دهه هشتادی و نودی ایرانی بشود. کارگردان ما، هنرمند ما، فنور ما و از همه مهتر استاد و معلم امروزی ما اگر می‌خواهد برای نسل جوانمان از اعتماد به نفس حرف بزند از خودباوری و اتکاب خدا بگوید اگر می‌خواهد درس شهامت و شجاعت و پیروزی بدهد، اگر قصد دارد درس کاری با برنامه‌ریزی و دوراندیشی بدهد اگر می‌خواهد از خسته نشدن، کار و تلاش بی‌وقفه برای وطن بگوید با اگر می‌خواهد تجربه باهم بودن و همبستگی ملی را تصویری کند؛ و شخصیت دانش‌آموز ایرانی شخصیتی محکم و باصلابت باشد کافی است داستان والفجر ۸ را روایت کنند. خدای غواصان آن شب عجیب اروند، خدای امروز است.